

مجله پژوهش های اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال سوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۸

پژوهشی پیرامون تاریخ حدیث امام هادی (ع)*

دکتر جواد سعدون زاده

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

ضرورت شناخت و نه آشنایی با زندگی، فعالیت و احادیث هر یک از امامان شیعه (ع) بر هر فردی لازم و بلکه ضروری است. چنانکه در متون دینی ما هم بدان تصریح شده است. همه اینها دلالت بر شناخت عمیق و مبتنی بر مبانی اعتقادی صحیح اسلامی از ائمه اطهار (ع) دارد؛ چرا که در غیر این صورت حق بر ما مشتبه می شود و طبق گفته پیامبر (ص) غرق خواهیم شد. یکی از امامان معصوم که در این پژوهش مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته، امام هادی (ع) است.

باتتبع در متون تاریخی به وضوح در می یابیم که همواره ائمه اطهار مورد آزار و شکنجه خلفای جور قرار می گرفته اند، به طوری که هر چه به تولد حضرت مهدی (ع) نزدیک تر می شویم، می بینیم که فشار و اختناق بر امامان (ع) بیشتر و بیشتر می شود تا جایی که امامی مثل امام هادی (ع)، پدر گرامیشان و یا فرزند عزیزشان بیشتر عمر خود را تحت مراقبت شدید خلفا گذرانده اند و یا اینکه در مکانی خاص زندانی بوده اند که این امر نه تنها یکی از عواملی است که باعث قلت احادیث شد، بلکه همچنین باعث محدود شدن ارتباط ائمه، خصوصاً امام هادی و پدر گرامیشان (ع)، با شیعیان شد. به هر حال، در چنین شرایطی که منجر به قلت احادیث می شود، تقریباً شناخت آن دوره خاص را با مشکل روبرو می کند. به همین دلیل از امام هادی (ع) کمتر از صد حدیث باقی مانده است. در این پژوهش سعی شده ابعاد مختلف زندگانی امام هادی (ع) به خصوص تاریخ حدیث ایشان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

امام هادی (ع)، تاریخ حدیث، تاریخ زندگانی، مکاتبه، و کالت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۳/۱۷

نشانی پست الکترونیک نویسنده: sadownzadeh@msri.ir

۱- مقدمه

بعد از تفحص و تدبیر در کتب موجود در رابطه با زندگانی امام هادی (ع) سعی شد تا با ارائه اطلاعاتی مفید و مختصر در چارچوب دسته بندی خاص رنج و مشقت مطالعه کتب مطول و احیاناً تکراری بر خواننده هموار شود، باشد که در سایه چنین تلاشی با گوشه ای از زندگی حدیثی امام هادی (ع) هر چه بیشتر آشنا شویم. کاملاً پیداست که بحث در این رشته سری دراز دارد و در یک یا چند پژوهش مختصر نمی گنجد، ولی از باب اینکه مقدمه ای برای پژوهش های بعدی است و در مقدمات هم بنا بر اختصار است و از باب اینکه در تاریخ حدیث امام هادی (ع) هم به قدر توان علمی بحث خواهد شد و بنا به گفته مشهور "آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم بقدر تشنگی بتوان چشید" خیلی فشرده این مبحث را عنوان می کنیم. در این پژوهش، زندگانی امام هادی (ع) را به سه دوره متمایز از هم تقسیم نمودیم که البته هر کدام از این دوره ها خود نیز به زیر مجموعه هایی منشعب می شوند. دوره هایی شامل ۱- حیات تاریخی امام (ع) ۲- حیات علمی امام (ع) ۳- حیات حدیثی امام (ع).

این پژوهش در راستای یافتن پاسخ های مناسب برای سوال های ذیل صورت گرفته است:

۱. مجموعه فعالیت های امام هادی (ع) در دوران امامت به چه صورت هایی بوده است؟
۲. شرایط سیاسی، اقتصادی و معیشتی شیعیان در این دوره چگونه بوده است؟
۳. مکاتب فکری و فرق کلامی این دوره چه بوده و برخورد امام (ع) و جهت گیری ایشان در برابر آن ها چگونه بوده است؟
۴. راویان وی چه کسانی بوده اند و نوع احادیث ایشان چگونه بوده است؟
۵. نحوه ارتباط، صدور و ارزش احادیث به چه صورت بوده و تعداد آن ها چند تا است؟

در بخش های آینده به مسایل و جزئیات هر کدام از آن دوره ها بیشتر پرداخته می شود. ولی اجمالاً یادآور می شویم که روایات منقول از امام هادی (ع) در مقایسه با دیگر ائمه بسیار کم است و این به خاطر این بود که ایشان بیشتر عمر خویش را در سامرا و تحت مراقبت شدید حکومت بنی عباس گذراند و به خاطر

همین مراقبت ها، نشر علوم و معارف الهی برای امام (ع) میسر نبود. بعد از این مقدمه کوتاه اینک به اصل موضوع پژوهش می پردازیم.

۲- حیات تاریخی امام هادی (ع)

۲-۱- تاریخ تولد

دهمین پیشوای شیعه و دوازدهمین معصوم، حضرت علی بن محمد، امام هادی (ع) می باشد. بنا به روایت کلینی (ره)، شیخ مفید و شیخ طوسی امام هادی (ع) در نیمه ذی الحجه سال ۲۱۲.ق در اطراف مدینه و در محلی به نام صریا به دنیا آمد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۹۷، شیخ صدوق، ۱۴۱۰، ۳۲۷، شیخ صدوق، ۱۴۱۰، ج ۶: ۹۲ و شریف قریشی، ۱۳۷۱، ۱۱).

در برخی از منابع تاریخی، تولد آن حضرت را ۲۷ ذی الحجه و در بعضی دیگر، ماه رجب سال ۲۱۴.ق ذکر کرده اند (بغدادی، بی تا، ج ۲: ۵۷ و حسینی، ۱۴۱۰: ۸۶). پدر بزرگوارش حضرت جواد (ع) و مادر گرامیش حضرت سمانه یا سوسن (س) می باشد که از اهالی مغرب بوده است (مولوی نیا، ۱۳۸۵: ۴۳۲). در تاریخ اهل البیت نام مادر آن حضرت را "مدنب"، "غزال المغربیه"، و "حدیث" آمده است (حسینی، ۱۴۱۰: ۱۲۳). نقش انگشتی امام به گفته ابن صباغ مالکی "الله ربی و هو عصمتی من خلقه" بوده است (جعفریان، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۴۰).

۲-۲- همسر و فرزندان امام هادی (ع)

امام هادی (ع) همسر دائمی نداشتند و شاید بدین جهت همسر دائمی اختیار نکردند که آن حضرت به دلیل تقیه نمی توانستند در یک مکان معلوم توقف نمایند و اکثر اوقات در سفر بوده اند. امام فقط یک همسر غیر دائمی اختیار کردند که از او فرزندان آن حضرت به وجود آمدند. راجع به اسم همسر ایشان روایت های مختلفی در کتب تاریخی آمده، از جمله "حدیث" و "حدیثه" و در برخی دیگر سوسن و عسفان ذکر شده است. اما در بحار الانوار علامه نام وی را "سلیل" دانسته و با عبارت "کانت من العارفات الصالحات" وی را ستوده است (مجلسی، بی تا، ج ۵۰: ۲۳۸ و طبرسی، ۱۳۶۸: ۴۸۴).

امام هادی (ع) به هنگام رحلت چهار پسر و یک دختر داشت که اسامی آن ها بدین شرح است ۱-محمد ۲-حسن ۳-حسین ۴-جعفر ۵-علیه (عایشه) (مولوی نیا، ۱۳۸۵: ۴۶۴). مطلب مهم راجع به شرح حال فرزندان آن حضرت اینکه تعدادی از افراد امامت فرزند اول امام هادی (ع) یعنی محمد را که در حیات پدر در گذشته بود، پذیرفتند و امامت امام حسن عسکری (ع) را منکر شدند و این فرقه به فرقه "محمدیه" نامیده شدند. البته کسان دیگری هم که با ندیدن فرزندی از امام یازدهم امام حسن عسکری (ع)، جعفر را که از طرف امامیه ملقب به "جعفر کذاب" یا "پسر نوح" بود، به عنوان امام پذیرفتند و فرقه "جعفریه" را به وجود آوردند (نوبختی، ۱۳۵۵: ۱۱۲-۹۶ و جعفریان، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۱۹ و مولوی نیا، ۱۳۸۵: ۴۵۶).

۳-۲- القاب امام هادی (ع)

حضرت هادی دارای ده لقب بدین قرار می باشد:

۱. نقی ۲. طیب ۳. امین ۴. هادی ۵. ناصح ۶. مرتضی ۷. فقیه ۸. عالم ۹. فتاح ۱۰. متوکل. مشهورترین القاب امام "نقی" و "هادی" است، کنیه ایشان "ابو الحسن الثالث" می باشد؛ زیرا مقصود از ابو الحسن اول، امام موسی بن جعفر (ع) و مقصود از ابو الحسن الثانی امام هشتم (ع) می باشد.

۴-۲- فضایل امام هادی (ع)

امام هادی از نظر شکل ظاهری متوسط القامه با صورت گشاده و فراخ، گونه های برآمده، چشمان گشاده و دندان های مقدس ایشان درشت بود. چهره مبارکش به قدری گشاده بود که اگر کسی غم و اندوهی داشت و به صورت مقدس آن برگزیده خدا نظر می کرد، غم و اندوه وی برطرف می شد. امام (ع) محبوب قلب های مردم و صاحب هیبت و عظمت فوق العاده ای بود. لب های مبارکش همیشه تبسم داشت و به ذکر خدا مشغول بود، در نهایت جلال و وقار و کرم و اعتبار بود به قدری با حیا به نظر بود که به صورت کسی نگاه نمی کرد. درباره مطالب اصرار نمی نمود. و مایل نبود که در صدر مجلس بنشیند، ولی دیگران همیشه آن بزرگوار را به خاطر جلال و نجابتی که داشت در صدر

مجلس جای می دادند. امام هادی (ع) از مشاهده رفتار و کردار زشت خشمناک می شدند (همان: ۴۳۳).

۲-۵- امامت امام هادی (ع)

دوران امامت امام هادی (ع) از سال ۲۵۴-۲۲۰ ق.می باشد؛ به این صورت که پس از شهادت امام جواد (ع) در سال ۲۲۰ ق.م فرزند شش ساله اش، امام هادی (ع) به امامت رسید. از آنجا که امامت فردی که هنوز به سن بلوغ نرسیده است، پیشتر درباره امام جواد (ع) حل شده بود، تردید خاصی در امامت امام هادی (ع) برای شیعیان به وجود نیامد. به نوشته شیخ مفید و نوبختی، تمام پیروان امام جواد (ع) جز افراد معدودی، امامت علی بن محمد (ع) را پذیرفتند (جعفریان، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۴۱). از نظر طبرسی و نیز ابن شهر آشوب همین اجماع شیعیان بر امامت آن امام همام خود دلیل درستی امامت ایشان است. به علاوه امام جواد (ع) نص مکتوبی برای تعیین آن حضرت نوشت تا در امامت او جای هیچ گونه تردیدی باقی نماند (طبرسی، ۱۳۶۸: ۳۳۳ و ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۲: ۴۴۳).

۲-۶- یاران امام هادی (ع)

شیخ طوسی دانشمند نامدار اسلام تعداد شاگردان امام را در زمینه های مختلف علوم اسلامی ۱۸۵ نفر می داند. در میان این گروه چهره های درخشان علمی و معنوی و شخصیت های برجسته ای مانند: ۱. فضل بن شاذان نیشابوری ۲. حسین بن سعید اهوازی ۳. ایوب بن نوح ۴. عبدالعظیم حسنی ۵. عثمان بن سعید اهوازی ۶. ابوهاشم جعفری ۷. علی بن جعفر بن سکیت اهوازی به چشم می خورند که برخی از آنان دارای تالیفاتی ارزشمند در زمینه های مختلف علوم اسلامی هستند و آثار و خدمات آنان در کتب رجال بیان شده است (مولوی نیا، ۱۳۸۵: ۴۶۳).

۲-۷- شهادت امام هادی (ع)

امام هادی (ع) هم مانند امامان پیشین با مرگ طبیعی از دنیا نرفت؛ بلکه در زمان معتز مسموم گردید و در جمادی الثانی سال ۲۵۴ ق.م به شهادت رسید و در سامرا (سرمن رای) در خانه خویش به خاک سپرده شد. بدین ترتیب آن حضرت در سن ۴۰ یا ۴۲ سالگی به شهادت رسیده اند (حسینی، بی تا، ۸۶).

۸-۲- خلفای معاصر امام و جهت گیری ایشان در برابر آنان

امام هادی (ع) در مدت امامت خود با چند تن از خلفای عباسی معاصر بود که به ترتیب عبارتند از:

۱. معتصم عباسی، برادر مامون که در سال ۲۲۷-۲۱۸ ق. خلافت کرد.
۲. واثق، پسر معتصم که از سال ۲۳۲-۲۲۷ ق. خلافت کرد.
۳. متوکل عباسی، برادر واثق که از سال ۲۴۷-۲۳۲ ق. برمسند خلافت تکیه زد.
۴. منتصر، پسر دیگر متوکل که از سال ۲۴۸-۲۴۷ ق. خلیفه بود.
۵. مستعین عموی منتصر که از سال ۲۵۲-۲۴۸ ق. و به مدت کمی خلیفه بود.
۶. معتز، پسر دیگر متوکل که از سال ۲۵۵-۲۵۲ حکومت کرد. همانطور که گفتیم، امام هادی (ع) در زمان این خلیفه به شهادت رسید (مولوی نیا، ۱۳۸۵: ۴۳۶).

امام هادی (ع) از سرکشان بنی عباس رنج و محنت های زیادی کشیدند و در این میان متوکل در ظلم و ستم به حضرت و سنگدلی گوی سبقت را از دیگران ربود و روی سلف خود را سفید کرد. وی دستور داد حضرت را از مدینه به سامرا منتقل کنند و ایشان را کاملاً تحت نظر بگیرند و خانه او را محاصره کرده، مانع دیدار شیعیان با ایشان گردند. حتی امام را در تنگنا و محاصره اقتصادی قرار داد و گاه به گاه به شرطه و ماموران خود دستور می داد تا ناگهانی به خانه امام ریخته و آنجا را بازرسی کنند؛ لکن در این حمله های شبانه جز کتاب های علمی و ادعیه چیزی یافت نمی شد. بعضی مواقع نیز دستور می داد امام را در هر حالی که هست، به دربار آورند و در یکی از این احضارها امام در حالی بر متوکل وارد گشت که او مست بود و امام بدون توجه به موقعیت خطیر و خطرات احتمالی به شدت او را سرزنش کرد. (شریف قریشی، ۱۳۷۱: ۳۸۶). وی بر خلاف سه خلیفه قبل از خود یعنی مامون، معتصم و واثق که طرفدار بحث و استدلال خصوصاً استوار بودن عقاید دینی بر مبانی عقلی و علمی بودند، مردم را به ترک مباحثه، اعمال نظر در اصول دین و مطالبی همچون خلق قرآن، امر می کرد و سخت طرفدار سنت و حدیث و جمود در مسایل دینی بود. اهل سنت و جماعت را تأیید می کرد و شیعه و معتزله را سرکوب می کرد. ضمناً در همین دوران مرقد مطهر امام حسین (ع) و خانه های اطراف آن منهدم شد و شیعیان را از زیارت آن

حضرت منع می نمود و همانطور که در تاریخ آمده دیگر خلفا نیز کما بیش سیره خلفای پیش از خود را در پیش گرفتند (مولوی نیا، ۱۳۸۵: ۴۳۶).

۹-۲- اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان در این دوره

در مورد شرایط شیعیان در این دوره باید گفت که این دوره مصادف است با تسلط همه جانبه خلافت عباسی بر جوامع اسلامی. خلفایی که در این دوره زندگی می کردند، هرگز از اندیشه محدود نمودن امامان شیعه و اعمال فشار نسبت به آن ها غافل نبوده اند. مطالعه تاریخ سیاسی نشان می دهد که در این دوره قیام هایی نیز از جانب شیعیان به وقوع پیوست که گرچه با ناکامی همراه بوده اند، اما به هر جهت نشان از فعالیت های سیاسی و انقلابی علیه خلفای جوردارد (معارف، ۱۳۸۴: ۳۰۷). در همین زمینه باید افزود که فشارهای حکومتی نسبت به شیعیان موجب شد تا در این دوران، همچنان حالت تقیه و استتار رعایت گردد (معارف، ۱۳۸۴: ۱۰۴). بعد از آزادی نسبتاً مختصری که بعد از امام موسی (ع) و امام رضا (ع) به وجود آمد، تمرکز شیعیان در بعضی شهرها بیشتر شده و حلقه های درسی متعددی تشکیل می گردید؛ اما با این حال، در همین سال ها تعداد کثیری از شیعیان تحت تعقیب قرار گرفته و در زندان ها مورد شکنجه قرار گرفتند و یا آنکه به شهادت رسیدند. خصوصاً از اواخر دوره امام جواد (ع) فشار بر شیعیان به شدت فزونی یافت. در دوران امامت حضرت هادی (ع) هر گونه حرمتی شکسته شد و متوکل همانطور که ذکر کردیم، بارها به خانه آن حضرت ریخته و به تفتیش خانه حضرت پرداخت (معارف، ۱۳۷۴: ۳۰۸). گرچه پس از کشته شدن متوکل پسرش منتصر سر کار آمد و این خود باعث کاهش فشار حکومت، بر علویان و نیز امام ابو الحسن الثالث گردید، اما کما کان فشار بر شیعیان وجود داشت (جعفریان، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۱). البته این کاهش فشار ناشی از عوامل متعددی بود که از جمله آن ها: ۱. زوال هیبت و عظمت خلافت به علت تسلط ترکان بر دستگاه خلافت ۲. خوشگذرانی و هوسرانی درباریان ۳. گسترش ظلم و بیدادگری و خود کامگی ۴. گسترش نهضت های علوی است. (مولوی نیا، ۱۳۸۵: ۴۴۶ و شریف قریشی، ۱۳۷۱: ۳۱۷). باید توجه داشت که هر چه به زمان تولد حضرت مهدی (ع) نزدیک می شد، بر حجم فشارها و مراقبت های پیرامون

امامان شیعه افزوده می شد، زیرا خلفای عباسی با آگاهی از این موضوع در صدد بودند تا به هر طریق مانع از تولد آن حضرت گردند و یا در صورت تولد به نابودی او اقدام کنند؛ برای مثال متوکل و خلفای پس از او امامان را به دربار و یا نزدیک محل خلافت فرا می خواندند تا تسلط و اعمال کنترل بیشتری بر روی آنان داشته باشند. از این رو در دوران امام دهم و یازدهم ارتباط شیعیان با ائمه بسیار محدود بود (معارف، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

۳- حیات علمی امام هادی (ع)

۳-۱- فعالیت های امام (ع)

در این زمان، شیعیان کتاب های مدوّن حدیثی، فقهی، کلامی اصحاب ائمه را در اختیار داشتند و از طریق و کلاء پرسش ها و مشکلات خویش را از امام هادی (ع) می پرسیدند. امام نیز شیعیان را به اصحابی که دارای سابقه زیادی بودند و علاقه شدیدی به اهل بیت داشتند، هدایت می کردند (عطاردی، ۱۴۱۳: ۸۳ و جعفریان، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۳).

حکومت اسلامی در سرزمین های زیادی به صورت پراکنده اداره می شد، اما با مراجعه کتب رجالی به دست می آید که بیشترین شیعیان کوفی هستند. در زمان امام هادی (ع) نیز مرکز تشیع در ایران، قم بوده و ارتباط تنگاتنگ و محکمی میان شیعیان این شهر با ائمه وجود داشته است. در کنار قم دو شهر آبه یا آوه و کاشان تحت تاثیر تعلیمات شیعی بوده و چنین گرایشی داشته اند، البته در شهرهای دیگر نیز این ارتباط برقرار بوده است (همان، ج ۲: ۱۵۸ و جعفریان، ۱۳۶۸: ۱۷۱).

عصر امام هادی (ع) عصر اختناق و استبداد بود و امام (ع) برای فعالیت های فرهنگی در سطح گسترده، آزادی عمل نداشت و از این نظر فضای جامعه با عصر امام باقر (ع) و بویژه امام صادق (ع) تفاوت فراوانی وجود نداشت. آن امام همام در همان شرایط نامساعد علاوه بر فعالیت های فرهنگی از طریق مناظرات، مکاتبات، پاسخ گویی به سوالات و شبهات و تبیین بینش درست در برابر مکاتب کلامی منحرف به تربیت راویان و محدثان بزرگی همت گمارد (مولوی نیا، ۱۳۸۵: ۴۶۳).

به طور کلی و در تقسیم بندی دیگر، فعالیت های امام هادی (ع) در دو قسم قابل بررسی است: ۱- فعالیت های امام در مدینه ۲- فعالیت های امام در سامرا (سرّ من رای).

۱-۱-۳- فعالیت های امام در مدینه

امام در زادگاه خود و پدرانش (مدینه) به سر می برد و مانند اجداد خویش به گسترش دانش، بهسازی اخلاق مردم و تربیت آنان طبق موازین اسلامی و تعلیم علوم مختلفه مشغول بود و مسجد النبی را به صورت مدرسه ای برای امور آموزش در آورده بود (شریف قریشی، ۱۳۷۱: ۲۵۹). در همین زمان و در پی سختگیری هایی متوکل متوجه امام (ع) و فعالیت های ایشان (طبق گزارشات واصله) که در مدینه زندگی می کرد، شد و دستور داد تا امام (ع) را به سامرا آورند. این بدان دلیل بود تا بتواند از نزدیک رفت و آمد های شیعیان را کنترل کند (جعفریان، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۴۳)؛ زیرا اگر امام در مدینه اقامت می کرد و خلیفه به او دسترسی نداشت، قطعاً برای حکومت جابرانه او خطر جدی داشت (معارف، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

۲-۱-۳- فعالیت های امام در سامرا

بعد از انتقال امام (ع) به سامرا و اهانت هایی که به او شد، از جمله اینکه متوکل ایشان را قبل از ورود به سامرا در خان صعلیک (کاروانسرای گدایان) سکونت داد و بعد از چندی منزلی را برای امام (ع) معین کردند. این واقعه در سال ۲۳۳ ق. اتفاق افتاد. امام هادی (ع) بیشترین دوره زندگی خود را تحت مراقبت های امنیتی و زیر فشارهای روانی در منزلی در سامرا سپری کردند و جاسوسان و خبرچینان حکومت خانه ایشان را تحت نظر گرفته و تمام رفت و آمدهای ایشان را کنترل می کردند؛ اما آنطور که در تاریخ آمده، امام (ع) برنامه تعیین کارگزاران و نمایندگان - که پدرش اجرا می کرد - را ادامه داد و نمایندگان و کلایی در مناطق و شهرهای مختلف منصوب کرد. بدین وسیله، یک سازمان ارتباطی هدایت شده و هماهنگ به وجود آورد که هدف های یاد شده را تامین می کرد. (مولوی نیا، ۱۳۸۵: ۴۵۵) بدین ترتیب امام (ع) در سامرا هم حتی با وجود زندانی بودن از هدایت شیعیان غافل نبود.

۲-۳- مکتب های کلامی

در عصر امام هادی (ع) مکاتب عقیدتی متعددی همچون معتزله، رواج یافت و آراء و نظریات کلامی فراوانی در جامعه اسلامی پدید آمد. ضمن آنکه بازار مباحثی چون جبر و تفویض، امکان یا عدم امکان رویت خدا، جسمیت خداوند و امثال این ها داغ بود.

نفوذ آراء و نظریات باطل از این راه در محافل شیعه، ضرورت هدایت و رهبری فکری شیعیان را از سوی امام شدت می بخشید. مطالعه و بررسی حیات علمی امام هادی (ع) نشان می دهد که اکثر مناظرات ایشان پیرامون این گونه موضوعات کلامی بوده و روایات متعددی از آن حضرت در این زمینه نقل شده است که برتری مبانی اعتقادی شیعه را به روشنی ثابت می کند. به عنوان نمونه، می توان از نامه امام (ع) یاد نمود که در پاسخ به سوال مردم اهواز و در باره موضوع جبر و تفویض نگاشته شد و طی آن با بیان روشن و قاطع، نظر درست را که نه جبرمی باشد و نه تفویض، اثبات کرده است (همان: ۴۵۸ و جعفریان، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۶۲).

۳-۳- میراث های معنوی امام هادی (ع)

از امام هادی (ع) دعاهایی روایت شده که ایشان در قنوت نمازهایشان می خواندند. نگاهی به این دعاها، اوج انقطاع ایشان را از تعلقات مادی و شدت اتصالشان را به مبدا هستی به خوبی نشان می دهد (شریف قریشی، ۱۳۷۱: ۵۱).

این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که شیعه از فرهنگ ادعیه و زیارت بسیار غنی برخوردار است. طوری که هیچ یک از فرق اسلامی از این مقدار ادعیه و زیارت بهره مند نیستند و این نشان از چهره معنوی تشیع و عرفان شیعی دارد. در کارنامه امام هادی (ع) دعا و زیارت از نظر تربیت شیعیان و آشنا ساختن آن ها با معارف شیعی، نقش عمده ای ایفا کرده است. این دعاها جز راز و نیاز با خدا به صورت های مختلف، به پاره ای از مسایل سیاسی- اجتماعی هم اشاراتی دارد. ضمن اینکه خود این ادعیه نشان از اختناق شدید حاکم بر آن دوره دارد؛ چرا که این واقعیت را بیان می کنند که به طور مستقیم کار برای ایشان دشوار بوده است و از سیاست ایساک اعنی و اسمعی یا

جارتی یا همان دعاها استفاده می کرده اند. در ذیل به چند نمونه از این دعاها و زیارت ها اشاره می کنیم:

۱- "اللهم فصل علی محمد و آله و لا تقطع بینی و بینهم فی الدنیا و الاخرة و اجعل عملی بهم" پروردگارا درود فرست بر محمد و آل محمد و ارتباط ایشان را در دنیا و آخرت قطع مفرما و اعمال مرا به ایشان قبول فرما (عطاردی، ۱۴۱۳: ۱۸۷) و از زیارت های ایشان "أشهد أنکم الائمة الراشدون المهدیون المعصومون المنکرون المقربون المتقون الصادقون المطیعون لله" گواهی می دهم که شما امامان مرشد، هادی، معصوم، بزرگوار، مقرب نزد خداوند، پرهیزگار، راستگو، برگزیده و مطیع خداوند هستید (همان: ۲۴۷).

۴- حیات حدیثی امام هادی (ع)

۴-۱- نحوه ارتباط امام هادی (ع) با شیعیان و هدایت و رهبری آن ها

همانطور که قبلاً ذکر کردیم، فشارهای حکومتی نسبت به شیعیان موجب شد تا در این دوران همچنان حالت تقیه و استتار رعایت گردد (معارف، ۱۳۷۴: ۱۰۴)، ولی باید بگوییم که علی رغم این موانع و مسایل همواره شیعیان با امام خود چه در بلاد دور دست و چه در بلاد نزدیک در ارتباط بودند و از مسایل مورد نیازشان آگاه می شدند. در این دوران شیعه در سراسر بلاد اسلامی گسترده شده بود. این گسترش را به ویژه از آثار ضد شیعی و نیز اقدامات سیاسی- نظامی حکام به منظور جلوگیری از گسترش روزافزون تشیع به خوبی می توانیم ببینیم. شرایط موجود امامان را وا داشت تا از ابزار جدیدی برای برقراری ارتباط با پیروان خود استفاده کنند. این ابزار چیزی جز شبکه ارتباطی و کالت و تعیین نمایندگان و کارگزاران در مناطق مختلف توسط امام نبود و اصولاً سیستمی که ضامن پیدایش و دوام و استحکام این ارتباط بود. همین روش و کالت بود (مولوی نیا، ۱۳۸۵: ۴۵۱، جعفریان، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۵۳). البته این مساله از دوران امام رضا (ع) شروع شده بود. کسانی که به عنوان وکیل از طرف امامان انتخاب می شدند، کار ایجاد و تنظیم ارتباط میان ائمه و شیعیان را به عهده داشتند؛ علاوه بر جمع آوری خمس و ارسال آن برای امام در حل معضلات کلامی و فقهی هم نقش سازنده ای داشته و در جا انداختن امامت امام بعدی نقش محوری در منطقه خود ایفا

می کردند. البته گاهی اوقات کسانی از این و کلاً منحرف می شدند و مورد تکذیب امام وقت قرار می گرفتند و طبعاً کسان دیگری جایگزین آن ها می شدند. بنابراین، سیستم و کالت در تثبیت موقعیت سیاسی و فرهنگی شیعه نقش اساسی داشت. این افراد بیشتر به وسیله نامه و توسط افراد مطمئن که برای حج و زیارت امام حسین (ع) به حجاز و عراق می آمدند، با امام در ارتباط بودند (حسین، بی تا: ۱۳۷). به نوشته دکتر جاسم حسین آنچه از اخبار تاریخی به دست می آید، این است که مناطق مورد نظر برای تعیین و کلا در حالت کلی به چهار قسمت تقسیم می شده است ۱- ناحیه بغداد، مدائن، سواد و کوفه ۲- ناحیه بصره و اهواز ۳- ناحیه قم و همدان ۴- ناحیه حجاز، یمن و مصر (همان). اما تعدادی از این و کلا عبارتند از: ۱- علی بن جعفر الوکیل ۲- ابراهیم بن محمد همدانی ۳- حسین بن عبد ربّه ۴- ابو علی بن راشد ۵- و به احتمال قوی احمد بن اسحاق الرازی. (جعفریان، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۴).

۲-۴- چگونگی صدور احادیث از امام هادی (ع)

درصد کمی از احادیث شیعه را مکتوبات حدیثی امامان (ع) تشکیل می دهد. این احادیث در اکثر مصادر حدیثی شیعه به ویژه در کتب اربعه وجود دارند و بسیاری از آن ها از نظر کارشناسان حدیث به عنوان حدیث صحیح پذیرفته شده است (معارف، ۱۳۸۴: ۳۴۸).

مکتوبات ائمه به دو بخش کلی می شوند: بخش اول عبارت از نامه ها، دستور العمل ها و حتی پیغام های امامان (ع) می باشد که خطاب به نمایندگان خود یا شیعیان مستقر در یک ناحیه ارسال می کردند. در این مورد از صادقین به صورت محدود و از امامان دهم و یازدهم به صورت نسبتاً قابل توجهی نامه و رسایل باقی مانده است. نمونه هایی از این رسایل را در حیات الامام الهادی و حیات الامام الحسن العسکری از تألیفات باقر شریف قریشی و تاریخ عمومی حدیث مجید معارف می توان دید. یاد آوری می شود در بسیاری از موارد سوال کننده، سوال خود را نوشته و جای پاسخ را خالی می گذاشت و امام (ع) در ذیل همان سوال پاسخ را با خط مبارک درج می نمود؛ پاسخی که بدین صورت دریافت می شد، "توقیح" می خواندند. این مکتوبات حدیثی در در مقایسه با احادیث مسموعه، مجموعاً درصد کمی را تشکیل می دهند؛ در عین حال، نکته فوق بر امامان شیعه

یا راویان آن‌ها پوشیده نبوده و راویان خبر معمولاً صحت مراسلات و مکتوبات حدیثی را مورد تحقیق قرار می‌دادند. از بعضی شواهد بر می‌آید که خط ائمه برای اصحاب و راویان، معروف و مشخص بوده و آنان با رویت آن دچار تردید و نگرانی نمی‌شدند. ضمناً در پایان نامه‌ها و توقیعات خود، مهر مخصوص به خود را درج می‌کردند. (معارف، ۱۳۸۴: ۳۴۸). علاوه بر اینکه خود واسطه‌ها هم افرادی مطمئن بوده‌اند. اما سرنوشت این مکتوبات و رسایل امامان (ع) آنطور که پیداست، تا عصر نویسندگان کتب اربعه وجود داشته است و در اختیار این محدثان از جمله - کلینی، صدوق و طوسی - بوده است. (همان: ۳۵۰ و معارف، ۱۳۸۴: ۳۱۹).

۳-۴- تعداد احادیث امام هادی (ع)

آقای مجید معارف می‌نویسد: بنا بر تحقیقی که در سطح کتب اربعه صورت گرفته است، از امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم‌السلام) هر یک کمتر از صد حدیث در دست داریم و این در شرایطی است که احادیث امام باقر و امام جعفر (علیهم‌السلام) در مجموع از ده‌ها هزار تجاوز می‌کند که باز بیشترین آن‌ها از امام صادق (ع) روایت شده است (معارف، ۱۳۸۴: ۳۱۰ و عطاردی، ۱۴۱۳: ۱۰).

مقایسه فوق‌ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که اولاً: در حدیث شیعه روایات وارد شده از صادقین (ع) بیشترین درصد را تشکیل می‌دهد. ثانیاً: پس از روایات آن دو بزرگوار، بیشترین روایات متعلق به امام هفتم و هشتم (علیهم‌السلام) می‌باشد، اما از دوران امام نهم امام جواد (ع) به بعد نه تنها روایات صادره دچار قلت می‌گردد، بلکه این روایات اصولاً به صورت مکاتبه و توقیع می‌باشد نه سماع و شرفیابی و این خود می‌تواند نموداری از شاخص تقیه و جو اختناق آمیز آن دوران باشد (معارف، ۱۳۸۴: ۳۳۲).

در مورد تعداد احادیث منقول از امام هادی (ع) با توجه به استقرای تقریباً تامی که در سطح کتب اربعه خصوصاً مسند الامام الهادی (ع) از آقای عزیزالله عطاردی و همچنین جوامع حدیثی از مکتب خلافت صورت گرفت، معلوم شد که احادیث صادره از امام هادی (ع) واقعاً بسیار کم هستند که این خود معلول عوامل متعددی

بود که قبلاً کم و بیش به آن ها اشاره شد. در زیر و در قالب جدولی به معرفی احادیث وارده از امام هادی (ع) در زمینه های مختلف پرداخته می شود و سپس توضیحات لازم را با توجه به جدول ارائه می کنیم:

عنوان حدیث	تعداد	عنوان حدیث	تعداد
باب التَّوْحِيد	۲۲	باب الدُّعَاء	۱۷
باب الإمامة و الولاية	۹۱	باب الاحتجاجات	۱۱
باب الأصحاب	۳۲	باب الطَّهارة	۴
باب التَّفْسِير	۱۶	باب الصَّلَاة	۲۸
باب الصَّوْم	۸	باب الحَكْم و المواعظ و التَّوَادِر	۵۲
باب الزَّكَاة و الخمس	۱۳	باب العقل و العلم و المعیشه هر کدام	۶
باب الزَّيَّارَة	۱۸	باب الصيد و الذبَّاحه و الدیات هر کدام	۳
باب الحجّ	۵	باب النِّكَاح و الأَطْعِمه و الإیمان و النُّذْر و الأنبياء هر کدام	۴
باب الوصیه	۲۱	باب الطَّلَاق و الأشربه و القضاء و الشهاده و الإرث هر کدام	۱
باب الجَنَائِز	۸	باب الأولاد و الحُدود هر کدام	۲
باب التَّجْمِيل	۷	باب العتق	۵

* جدول فوق بر اساس مسند الإمام الهادی تهیه و تنظیم شده است.

با توجه به تحقیقی که در جوامع حدیثی مکتب خلافت (صحاح سته) به عمل آمد، حدیثی از امام هادی (ع) با القاب مختلف دیده نشد.

۵- توضیحاتی پیرامون جدول حدیثی

با نگاهی به جدول قبل ملاحظه می شود، مجموع احادیث روایت شده از امام هادی (ع) ۴۰۰ حدیث می باشد که بیشترین آن ها در باب امامت و ولایت با تعداد ۹۱ حدیث نقل شده است و این خود شاخص خوبی در اهمیت و نقش امام به عنوان رهبر و ولی جامعه می تواند باشد؛ چرا که همانطور که قبلاً یاد آور

شدیم، از یک طرف مکاتب کلامی و نحله های مذهبی فراوانی مضاف بر فرقه های محمدیه و جعفریه در آن زمان وجود داشته اند و از طرف دیگر، شدت اختناق و فشار حاکمان آن زمان بر امامان (ع) و شیعیانی که به طور وسیع در سراسر مملکت اسلامی پخش شده بودند، همگی باعث شده بودند شیعیان در پیمودن راه حق دچار تزلزل و انحراف فکری شوند. امام هادی (ع) با تشخیص این مهم و روایت فراوان احادیثی در این زمینه نهایت سعی خود را به کار بست و توانست علاوه بر طرد و سرکوب مکاتب و نحله های ضالّه در راهنمایی و هدایت شیعیان به طریق سلامت، نقش به سزایی را ایفا کند. ناگفته نماند که بعد از مشخص کردن امام و ولی جامعه، امام هادی (ع) با احادیث خود در قالب موعظه و کلمات قصار و ادعیه و ... مردم را به آگاهی در امور دینی و تکالیف شرعی و شناخت مسایل روز رهنمون می فرمودند.

۱-۵- طرح یک سوال

در کتب حدیثی معاصر تعداد روایات صادره از امام هادی (ع) را کمتر از صد /۱۰۰ حدیث آورده اند (بنگرید به: معارف، ۱۳۸۴: ۳۱۰)، در حالی که در جدول فوق تعداد احادیث ایشان به چهار صد /۴۰۰ حدیث بالغ می شود. حال سوال اینجاست که چگونه ممکن است از یک امام در کتب حدیثی آمار و ارقام تا این حد متفاوت نقل شود. در حالی که همه می دانیم جوامع حدیثی، تعداد بیشتری از این رقم احادیث را از ایشان نقل می کنند و آیا این مختلف بودن عدد و ارقام می تواند خللی به تعداد احادیث وارد سازد یا راهی دیگر برای جمع بین آن ها وجود دارد و در صورت وجود، این جمع چگونه باید صورت گیرد؟

برای دست یابی به این پاسخ ذکر مقدمه ای به صورت زیر ضروری و مناسب می باشد، چه:

اولاً: مرحوم مظفر (ره) در کتاب خویش می نویسد: بدون شک فعل معصوم به خاطر اینکه معصوم است، دلالت بر مباح بودن آن عمل می کند؛ همانطور که اگر فعلی را ترک کند، حداقل حکم شرعی مترتب بر آن این است که بگوییم آن فعل مکروه است. البته همه آنها تا زمانی است که قایل به عصمت آن ها باشیم و اما اگر فعل معصوم محفوف به قرآینی باشد و یا مثلاً برای بیان حکمی از احکام شرعی صورت گیرد، در آن صورت واجب و یا حرام بودن آن با توجه به شرایط

به راحتی قابل تشخیص است و حجیت آن نیز ثابت می شود. ضمن آنکه شیعه در صورت بالا هم تعبداً حکم بر حجیت فعل معصوم می کند و نه با دلالت عقلی و شرعی (مظفر، ۱۴۲۲، ج ۳ و ۴: ۶۶). ثانیاً: آنچه در کتب حدیثی و در تعریف حدیث نوشته شده است این که حدیث، عبارت است از گفتار، فعل و تقریر معصوم (مدیر شانه چی، ۱۳۶۲: ۱۵) و این نشان می دهد که بر لفظ حدیث بر تمام افعال و اقوال معصوم صدق می کند، گر چه مکتب خلافت، حدیث را به معنای خاص و در مواردی مشخص تعریف می کند؛ آن هم در مورد شخص پیامبر (ص) فقط. اما روشن و واضح است که ما در این مختصر قصد مقایسه و یا رد نظرات آن ها را نداریم، بلکه صرفاً نظر علمای شیعه را در این مورد بیان کردیم. با این توضیح معلوم می شود که فقط روایات وارده در احکام شرعی و یا فقهی حدیث محسوب نمی شود، بلکه دیگر روایات و افعال معصوم هم در صورت احراز صلاحیت و صحت آن ها نزد صاحب نظران و اهل فن دارای حجیت و قابل احتجاجند و مادامی که معتقد به این اصل باشیم، ناگزیر باید تمامی محتویات مندرج در جدول بالا را به عنوان حدیث بپذیریم و البته حدیث به این معنی مورد اتفاق علمای شیعه می باشد و اگر نویسنده ای فقط به تعدادی از احادیث امام (ع) اشاره کرده، شاید در صدد استقصای کامل همه احادیث بر نیامده و صرفاً با توجه به موضوع کتاب، عقیده و سلیقه شخصی به نقل تعدادی احادیث پرداخته باشد که در این مورد رأی و نظر او فقط در آن حوزه قابل اعتماد است.

همانطور که قبلاً در متن تحقیق بیان کردیم، بار دیگر متذکر می شویم که طرق تحمل حدیث به صورت مکاتبه و توقیع (نامه و رسایل) بوده، نه سماع و شرفیابی، که آن هم با واسطه های خاص محقق می شده است.

نوع احادیث با توجه به شیوه خاص آن ها مُعَنَّع روایت شده اند و این در اصطلاح حدیثی یعنی: سلسله سند که همان راویان می باشند، با لفظ عن به یکدیگر متصل شوند، طوری که آخرین راوی هم با لفظ عن به نقل روایت از معصوم می پردازد.

۶- نتیجه

خلاصه همه آنچه در تحقیق ارائه شد، به صورت زیر دسته بندی می شود:

۱. دوران امام هادی (ع) مصادف با تسلط همه جانبه خلفای عباسی بر اوضاع آن زمان بود. این خلفا تمام همّت خود را صرف گسترش مکتب خلافت می کرد و به همین خاطر، شیعیان در بیشتر مواقع تحت آزار و شکنجه قرار می گرفتند و یا در زندان ها حبس می شدند.
۲. آگاهی عباسیان از تولد و ظهور صاحب عصر (عج) باعث شده بود ائمه شیعه به شدت تحت مراقبت و کنترل قرار گیرند؛ چه نخست فکر می کردند می توانند مانع تولد آن حضرت بشوند و دیگر اینکه در اثر قطع رابطه شیعیان و ائمه، شیعیان را در شناخت امام خویش دچار گمراهی و تزلزل فکری و عقیدتی می کنند.
۳. امام هادی (ع) فعالیت های خویش را در مدینه و سامرا به صورت مکاتبه و توقیع انجام می دادند. سابقه این روش به زمان رسول اکرم (ص) می رسد، اما نقطه اوج آن در زمان ایشان می باشد.
۴. یکی از روش هایی که مسلمانان همواره مسایل و مشکلات شرعی و غیر شرعی خود را با امامان (ع) در میان می گذاشتند، ارسال نامه ها و رسایل بود که بعداً به مکاتبه و توقیع شهرت یافت. طوری که بعضاً جای پاسخ را خالی می گذاشتند و امام هم جواب را در زیر همان نامه مرقوم می فرمودند. این مکاتبات در مجموع در صد کمی از احادیث شیعه را تشکیل می دهد و توسط افراد مورد اطمینان امام به دست صاحبانشان می رسید.
۵. پراکندگی و گسترش روزافزون شیعه در ایجاد شبکه و کالت عاملی تعیین کننده به حساب می آید.
۶. با توجه به محفوظ ماندن لفظ و به تبع آن معنا در این گونه احادیث، دانشمندان ارزش مکاتبات حدیثی را در صورت احراز صلاحیت آن ها در سند و متن برابر احادیث صحیح می دانند.
۷. در صحاح سته حدیثی از امام هادی (ع)، دیده نمی شود.
۸. تعداد احادیث موجود در جدول ۴۰۰/چهارصد حدیث می باشد که دقت در تعداد و ارقام آن ها بیانگر اهمیت موضوع و صدور آن ها می باشد.
۹. در مسند الإمام الهادی (ع) برخی احادیث با اختلافی اندک دو بار تکرار شده اند (حدیث نوح)، در صورت ادغام آن ها قطعاً به تعداد کمتری از این رقم (۴۰۰) می رسیم. ضمن اینکه آقای عطاردی به جمع آوری تمام احادیث روایت

شده از امام هادی (ع) پرداخته است و اینکه آقای معارف هم فقط به احادیث فقهی احتمالاً نظر داشته است، بنابراین می توان به هر دو رقم در جای خود معتقد بود.

۱۰. نهایتاً اینکه با نزدیک شدن به تولد پر برکت حضرت ولی عصر (عج) ائمه به شدت تحت مراقبت و نظارت قرار گرفتند و این عامل در قلت احادیث نقشی بسیار تعیین کننده داشته است، امام (ع) با صدور اندک احادیثی - ولی صحیح - در زمینه های مختلف در برخورد با این مانع موفق بودند.

کتابنامه :

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *المناقب*؛ به تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، مطبعة العلمية، بی تا.
۲. بغدادی، خطیب، *تاریخ بغداد*؛ بیروت، دار الکتب العربی، بی تا.
۳. جعفریان، رسول، *تاریخ تشیع در ایران*؛ تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
۴. جعفریان، رسول، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*؛ تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۵. حسین، جاسم، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (ع)*؛ ترجمه: آیت اللهی، تهران، انتشارات امیرکبیر، بی تا.
۶. حسینی، سید محمد رضا، *تاریخ أهل البيت*؛ قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۰.
۷. شریف قریشی، باقر، *حیات الإمام الهادی*؛ ترجمه: حسن اسلامی، قم، دفتر نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۸. شیخ صدوق، محمد بن محمد بن نعمان، *الإرشاد*؛ بیروت، موسسه العلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰.
۹. طبرسی، ابو علی، *إعلام الوری بأعلام الهدی*؛ ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*؛ تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۴۶.
۱۱. عطاردی، عزیزالله، *مُسند الإمام الهادی*؛ بیروت، دار الصفوه، الطبعة الثانية، ۱۴۱۳.

۱۲. کُلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**؛ به تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**؛ بیروت، مؤسسة الوفا، بی تا.
۱۴. مدیر شانه چی، کاظم، مشهد، **علم الحدیث و درایت الحدیث**، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۱۵. مظفر، محمد حسین، **تاریخ شیعه**؛ ترجمه: سید محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۶. مظفر، محمد رضا، **اصول الفقه**؛ به تحقیق: رحمة الله اراکی، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۲۲.
۱۷. معارف، مجید، **پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه**؛ تهران، موسسه فرهنگی هنری ضریح، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۸. معارف، مجید، **تاریخ عمومی حدیث**؛ تهران، انتشارات کویر، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
۱۹. مولوی نیا، محمد جواد، **تاریخ چهارده معصوم**؛ قم، موسسه انتشاراتی امام عصر، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲۰. نوبختی، ابن محمد الحسین بن موسوی، **فرق الشیعه**؛ به تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۵۵.